



گفت و گو
محمد قراگزلو

مهدی واعظی گلر مهمی در تاریخ باشگاه پرسپولیس به حساب می آید. واعظی حتی قبل از حضورش در پرسپولیس دروازه‌بان مهمی در فوتبال ایران و لیگ برتر بود و با سابقه حضور در تیم‌های ملی به پرسپولیس آمد و در آن فصلی که تیم بعد از شش سال موفق به قهرمانی شد دروازه‌بان اول تیم بود. واعظی هفته قبل و در جریان جشن سیزدهمین سالگرد قهرمانی دراماتیک پرسپولیس در لیگ هفتم یکی از حاضران در جشن بود و خاطراتش را با هم‌تیمی‌های سابقش مرور کرد.

به بهانه آن قهرمانی با واعظی گفت‌وگو کردیم اما این مصاحبه به جاهای جذابی کشیده شد و واعظی حرف‌های تازه‌ای دربارهٔ شرایط پرسپولیس بعد از آن قهرمانی، ارتباطاتی که باعث می‌شد گل‌های تیم ملی انتخاب شوند، شرایط گل‌های پرسپولیس از زمان خودش تا حامد لک، احمدرضا عابدزاده و… به زبان آورد که خوانندش خالی از لطف نیست.

آقا مهدی چرا خبری از شما در مجامع فوتبالی نیست؟

والته مشغول زندگی هستم و از فوتبال فرار کرده‌ام.

هفته قبل در جشن سیزدهمین سالگرد آن قهرمانی عجیب سال ۸۷ حضور داشتید. چه تصویر خاصی از آن قهرمانی جلوی چشم‌تان است؟

چیزی که بیشتر جلوی چشمم است آن سختی‌هایی است که کشیدیم. واقعاً هر طور فکر می‌کنم با توجه به شش امتیازی که از ما کم کردند و نبود امکانات و تیم‌هایی که رقیب ما بودند، در نهایت یک اتفاق زیبا و میمون افتاد و هر چیزی جلوی چشمم می‌آید خواست خدا بود. این مسأله‌ای است که می‌توانم روی آن مانور بدهم.

آن فصل پرسپولیس تیم خوبی داشت. بازیکنان غالباً هم‌راهی شاخص تیم‌های دیگر بودند و بعضاً سابقه ملی هم داشتند.

تیم ما در بحث مدیریتی یعنی هیأت‌مدیره و مدیرعامل خیلی خوب بسته شد؛ یعنی شخص حاج حبیب کاشانی و مجموعه مدیریتی باشگاه افراد سالمی بودند و با اینکه می‌گفتند فوتبالی نیستند اما واقعاً فوتبالی بودند. کادر فنی خوبی هم داشتیم که توانستند تیم خوبی ببینند. روزهای اول آقایان مرزبان و استیلی تیم را بستند و آقای استیلی با ۱۳، ۱۴ سال حضور در پرسپولیس کوله‌باری از تجربه داشت. در بازی‌های‌مان هم چیزی حدود ۷۰-۸۰ یا ۹۰ هزار هوادار به ورزشگاه می‌آمدند و همه اینها مکمل هم شد تا آن فصل اتفاقات خوبی برای‌مان رقم بخورد.

البته اواخر آن فصل مشکلات و حاشیه‌هایی هم داشتید. مثلاً درگیری‌های آهواز بعد از آن باخت بد به استقلال خوزستان که منجر به اخراج نفراتی مثل شیت و ماماتی شد یا مشکلات استیلی و قطبی که خیلی دربرایش صحبت می‌شد.

نه، اینها طبیعی بود. یکسری بازیکنان در تیم بیشتر بازی می‌کردند و یکسری کمتر. اینها در فوتبال امروز هم وجود دارد و پشت پرده است. آن سال اتفاقاتی افتاد که باعث اختلاف بین بازیکنان و مجموعه و منجر به مشکلاتی برای تیم شد. اما چیزی که مهم است آن جمع‌پندی پایانی است و اینکه آخرش زیبا بود. آن سال آقای استیلی در تیم مدیریت کرد و جلوی خیلی از مشکلات را گرفت. کریم باقری هم به‌عنوان بازیکن بزرگتر تیم را کنترل می‌کرد. یک بخش تأثیرگذار هم به این برمی‌گشت که ۱۲۰۱ بازیکن داشتیم که همه کاپیتان‌های تیم‌های سابق شان بودند و شرایطی ایجاد کرده بودیم که نمی‌توانست به تیم ضربه بزنند. البته آقای قطبی در مقابل این حاشیه‌ها کم‌تجربه بود اما آقای استیلی، کریم باقری و حاج حبیب جریان را به خوبی کنترل کردند.

آن فصل خاطریم هست بین شما و حسن رودباریان هم رقابت داغی وجود داشت و به‌نوعی مشخص نبود گل‌اصلی تیم کدام یکی از شماست.

در ۱۲ بازی کردم و اگر اشتباه نکنم حسن ۱۲ تا فکرت کم عدد درشتن همین باشد؛ یعنی من نزدیک دو برابر حسن بازی کردم.

اما با اینکه حسن رودباریان هم گلر برجسته و ملی بود بین شما دو نفر مشکل حادی پیش نیامد. یعنی آن دروازه‌بانان نبودید که به‌نوعی دنبال خراب کردن رفتای شان هستند. ببینید در تیم ما یک شکل خاصی ایجاد شد و برای گلری اتفاق افتاد. وقتی حسن به تیم اضافه شد خیلی‌ها گفتند شرایط تو چه می‌شود اما من گفتم فوتبال رقابتی است و اینکه پرسپولیس چیزی نیست که مسائل فنی را در آن نظر نگیرند. بازی کردن من هم با توجه به شرایط بازی‌ها بود؛ یعنی وقتی تیم نتیجه می‌گرفت و من خوب بودم در ترکیب می‌ماندم اما با اولین و کوچک‌ترین سبب‌بیرود می‌رفتم. این را پذیرفته بودم که چنین شرایطی هست اما هم من حسن خیلی صبور بودیم و هم با هم رقابت می‌کردیم هم رقیب خوبی برای یکدیگر بودیم. آن سال ما فراد شید کریمی را هم کنار خودمان داشتیم که او هم رقیف و رقیب خوبی بود.

اما بعد از شما در برخی فصول گلرهای تیم بعضاً علیه هم دسیسه می‌کردند تا به ترکیب برسند.

دیفاً مینظور است. وقتی شما هوادار و تیم را در نظر بگیرید شرایط فرق می‌کند؛ مثل رادو. می‌بینید که شرایط فنی‌اش خوب است اما همه چیز را در نظر می‌گیرد. آن ۵، ۴ سال است دروازه‌بان دوم است و هر وقت هم به او فرصت می‌دهند خوب کار می‌کند و باز هم می‌داند به‌استقلال ۹۹ درصد در بازی بعدی فیکس نیست. این بحث تفکر بازیکن است که باندن او را به‌حتمال بازیکن اول آورده‌اند تا بازی روزی که تیم بزرگی مثل پرسپولیس می‌آید باید بداند ممکن است در مقطعی تبدیل به بازیکن رزرو شود و نگه‌اشن این باشد که ممکن است روزی نمی‌کنت نشین شود. اگر این گلر دروازه‌بان باشد هیچ وقت برای تیم معضل درست نمی‌کنی.

در جشن سیزدهمین سالگرد قهرمانی لیگ هفتم حضور داشتی. کدام یک از بازیکنان آن تیم را بعد از مدت‌ها دیدی؟

من اکثرچهار نماندیده بودیم. یعنی ۵، ۴ سالی می‌شد، اما واقعاً یک تجربه عجیب اتفاق افتاد. انگار آن روزها شدم به همان سال و همان دوران؛ یعنی بازیکنان کارهایی را می‌کردند که آن سال در رشتکن بازی‌زمین تمرین انجام می‌دادند و خیلی فضای جالبی بود.

مثلاً چه کارهایی؟

مثلاً اینکه وقتی یک نفر می‌رفت روی استیج ادیتش می‌کردند یا در عکس گرفتن با آن شیطنت‌های دوران بازیگری و همان زمان بچه‌ها تکرار می‌شد. به نظرم اگر همین الان همان تیم را جمع کنیم و بچه‌ها توانایی فوتبال بازی کردن را داشته باشند دوباره قهرمان می‌شوند.

واقعاً اینطور فکر می‌کنید؟

بله. واقعیت قضیه این است که آن تیم و آن نفرات هنوز پتانسیل قهرمانی دارند. وقتی به عباس آقایی، فرزاد آشویی، سپهر، نینی، قطبی و… با همان لباس نگاه می‌کنید انگار شرایط همان است و همین الان دوباره می‌توانند قهرمان باشند. جذابیت شوخی‌ها

و تکه‌هایی هم که به هم می‌انداختند کم نشده. مثلاً مسعود زارعی آن زمان روند شیرینی داشت که الان هم دارد و شیطنت‌هایی می‌کند یا انگشتش سوت می‌زند و انگار در همان دوران است یا رضامان‌های شوخی‌هایی دارد که آن زمان هم داشت.

پارومانی‌ها هم از آن روز عجیب ورزشگاه آزادی و قهرمانی دقیقه آخری ۱۳ سال گذشته. واقعاً یک روز استثنایی در تاریخ ورزشگاه آزادی و پرسپولیس بود که شاید دیگر شبیه آن روز را نبینیم.

واقعاً آن روز استثنایی بود. واقعاً فشار روی ما زیاد بود؛ خیلی زیاد. البته فشار بازی، نه فشاری که باعث حیرت‌انگیز و اتفاقات چند هفته گذشته آن روز نمی‌وارد شد. ما قهرمانی را از دست داده بودیم. بازی با حریف مستقیم قهرمانی در روز آخر هم خیلی سخت است. شاید اگر بازی مستقیم نبود هم روی ما هم سیاهان فشار کمتری می‌آمد اما می‌دانستیم اگر آن روز نبریم تا آخر عمر باید افسوس بخوریم و چارهای جز بردن نداشتیم. دقیقه ۹۰ شد و بعد به ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴ و ۹۵ هم رسید. اما تلاش ما سوت پایان ادامه داشت. من هم در تمام آن لحظات خط دفاعی مان را هل داده بودم جلو.

اما قبول دارید در آن لحظه خاص یک اتفاق فرافوتبالی رخ داد و خواست خدا بود که آن توپ به آن شکل گل شود و قهرمان شوید؟

بله. ما در مسیری بودیم که دیگر داشتیم قطع امید می‌کردیم و هیچ‌کس را به‌جز خدا نداشتیم. خدا بود که در سدم ثانیه دست ما را گرفت و از این طرف به آن طرف سکه ما را برد و نشان‌مان داد. خدا را شاکرم. فکر می‌کنم آن روز مردم خواستند قهرمان بشویم و خدا هم خواسته مردم و ما را احزاب کرد.

شما فصل بعدش هم در پرسپولیس بودید.

بله. بودم تا اینکه هفته هفتم، ششم از ناحیه گردن دچار آسیب دیدگی شدم و ۸، ۷ هفته بعد از آن برگشتم اما آن مشکل کردن دو سه سال مرا اذیت کرد.

فصل بعد در لیگ هفتم چرا هم چیز بد پیش رفت با اینکه هم قطبی برگشت و ادامه داد و

واعظی: لک می‌تواند یکی از سه گلر برتر تاریخ پرسپولیس باشد

تیم سال ۸۶ هنوز پتانسیل قهرمانی دارد



داشتند خوب کار کردند.

البته در ۱۳ سال شاید تعداد مدیرانی که عملکرد موثقی در باشگاه پرسپولیس داشتند به سه نرسد.

بله، یکی از عوامل به‌خاطر قراردادها با اسپانسرها و بازیکنان است. البته به رقصش کار ندارم، شکلش را می‌گویم که بعضاً باعث شده بازیکن راحت جدا شود و برود. یک زمانی آقای عابدینی در پرسپولیس قرارداد می‌بست و روز اول به بازیکن می‌گفت با شما سه‌ساله می‌بندیم، بازیکن می‌گفت چشم. بعد می‌گفت اگر ترانسفر شدی، ۵۰ درصد مال ماست؛ یعنی به فکر آینده پرسپولیس بودی. فکر می‌کنم از قرارداد مرحوم مهرداد میبایند در آن تیم انرژی رقم خوبی به پرسپولیس رسید که عده‌اش بماند. یعنی وقتی جایه‌جایی انجام می‌شد بازیکن ضرر نمی‌کرد، بلکه به بازیکن یک رقم می‌دادیم. الان قرارداد می‌بندند مدیرعاملی می‌آید که تعهدی ندارد. مثل اینکه رئیس جمهوری می‌آید و تعهدی به جامعه‌اش ندارد؛ یعنی می‌آید و کاری می‌کند و می‌رود. بعد مدیرعامل‌های ما هم هم‌منظوری هستند. آنها نباید تعهد داشته باشند و هر چیزی را امضاکنند. البته انتخابات‌ها کلاً سیاسی هستند و با توجه به شرایط ارتباط‌شان با وزارت ورزش و گروه‌های منتسب به آنها انتخاب می‌شوند و مشکلاتی ایجاد می‌شود.

بعد از جدایی از پرسپولیس چه سرنوشتی داشتید؟

دو سال رفتم صبا. اولش ۶ ماه خوب داشتم و آن زمان را از دست دادم تا با بنجامین‌ها ام‌ب‌ا‌ز آن یک سال و یک روز خوب را با خدایا بامرز محمود باوری داشتم که یک تجربه خیلی خوب برلیم بود و در اوج تجربه‌اش کار کردن با مرم باورم باوری لذت‌بردم.

بعد از صبا چه شد؟

رفتم به استیل‌آئین حسن هدایتی که به لیگ یک سقوط کرده بود اما با توجه به اینکه ۱۲ امتیاز از آن تیم کم کردند توانستیم صعود کنیم. بعد از آن هم با فراز کمالوند رفتم به حرداری تبریز.

تجربه آخر چطور بود؟

خوب بود. احساس کردم یک مقدار برخی مسئولان و مربیان، بزرگ‌کنفی می‌کنند. البته من خودم را بازیکن بزرگی نمی‌دانستم اما بازیکن پرسپولیس بودم. آنجا شرایط آزردهنده بود و احساس کردم باید در همان روزهای خوش پرسپولیس خداحافظی می‌کردم. البته به‌لحاظ تمرینی می‌توانستم ادامه دهم اما با توجه به حاشیه‌هایی که ایجاد شد نباید می‌رفتم. من آن سال دنبال حاشیه‌های بازیکن و مربی نرفتم و آسیب ندیدم.

وقتی خداحافظی کردید چند سال داشتید؟

سال ۹۲ بود و الان ۸ سال گذشته. فکر کنم ۳۶-۳۵ سال دارم.

می‌توانید رقم قرارداد فعلی‌ها با پرسپولیس قهرمان‌ها را بگویید؟

بله. ۸۵ میلیون تومان بود که البته ۱۰ درصدش را به‌خاطر جریمه کم کردند.

به‌خاطر شکست ۴ بریک در هوازی مقابل استقلال؟

نه، برای آن بازی جریمه نشدم. به‌خاطر باخت ۴ بریک در آزادی به ر‌آه آن جریمه شدم. البته حاج حبیب می‌گفت از این ۱۰ درصد هر چقدر پول باشد بازم می‌دم. واقعاً رفتار خوبی داشت آن هم در حالی که پولی به باشگاه نمی‌دادند. آن زمان پاداش برده‌های ما ۱۵۰۰ هزار تومان بود.

قرارداد بازیکنان تیم‌های متمولی مثل سپاهان در آن فصل چقدر بود؟

چیزی حدود ۲۰ تا ۱۸ میلیون تومان؛ یعنی دو برابر بازیکنان پرسپولیس.

با ۸۵ میلیون تومان در سال ۸۶ که کارهایی می‌شد کرد؟

حالا به‌سخت مثلاً قیمت ماشین ساتانه در آن سال ۵۰ میلیون تومان بود؛ یعنی می‌توانستی یک ماشین جدید بخری و روزمرات را بدهی. یعنی عددی نبود اما باز هم خوب بود. البته حواسم در پرسپولیس متفاوت بود و وقتی به این باشگاه می‌آمدی پیران تیم خیلی باارزش بود. ما سال ۸۶ اصلاً به پول فکر نکردیم. بازیکنان هم غایب دست‌شان به دهان‌شان می‌رسید. شاید یک مقدار برای جوان‌های من سخت بود اما برای حاج حبیب فرقی نمی‌کرد چه کسی فیکس است چه کسی ذخیره. ما آن سال پاداش قهرمانی هم نگرفتیم. دروغ از یک عدد سکه. جشن قهرمانی هم باشگاه گرفت که همه وعده‌هایی که دادند در ح‌دو وعده‌هایی ماند.

فکر کنم آن زمان آقای کلبلیف شهردار تهران بود و گفته بودند یک تعداد سکه با بازیکنان می‌دهند؛ یعنی آنطور که ما حساب کردیم با نفری ۳۰ تا ۲۰ سکه به بازیکنان می‌رسید اما انگار پرداخت نکردند.

باشگاه هم که پولی نداشت.

بله، شرایط باشگاه طوری نبود که پاداش بدهد. سال بعدش آقای هدایتی آمد و کمک کرد؛

یعنی قراردادها را آن ۹۰۰۸۰ میلیون برساند به ۲۰۰، ۲۱۰ میلیون تومان.

شما هل قراردادشراستان گلستان گلستان هسندید و همسوری احمد نوراللهی به حساب می‌آید.

بله، اتفاقاً ارتباط خوبی هم با خانواده نوراللهی دارم. ما در منطقه‌ای که هسندیم استعداد‌های فعال و پویا را داریم. احمد هم یکی از آن استعدادها بود. یادم نیست با استیل آئین یا پرسپولیس به‌بیزد رفته بودیم که دیدیم این بچه چقدر خوب است گفتند بچه آذربهراست. من از احمد وقتی آمد پرسپولیس شناخت کامل داشتم و باید او و مادرش هم ارتباط دارم. همین الان هم هر چند روزی که به آذرب شهر می‌روم بعضاً با حاجی‌خانم (مادر احمد) صحبت می‌کنم.

با خود احمد چطور؟

واقعیتش لطفی که نه، اما هر وقت حضوری ببینم با هم حرف می‌زنیم، اما با حامد لک به‌خاطر اینکه بپسش تخصصی تر است تا جایی که بشود با هم حرف می‌زنیم.

با حامد لک ارتباطتان از کجا شروع شد؟

از زمان صبا. آنجا بودیم که دیدیم بچه‌ای آمد با قد بلند و دست‌های کشیده. گفتیم این کیست؟ گفتند حامد لک. حامد آنجا همیشه کنار من بود و سؤاالش این بود که چطور رفتی پرسپولیس؟

فکر کنم سال اول لیگ برترش بود.

بله. فصل ۸۹-۸۸. همان سال به هومن افاضلی که مربی امید‌ها بود گفتیم این بچه جایگاه دارد. اسامی تیم ملی را داده بودند که اسم حامد نبود. گفتیم شرایط این بچه خیلی خوب و مستعد است. بعد که آقای افاضلی ایشان را دید گفت چقدر خوب است. گفتم چرا او را ندیده بودید؟ از آنجا بود که حرف‌مدت تیم ملی و فیکس بازی کرد و خوب بود. حامد الان حافظه‌ده خودم هم کارهایش را بیگیری می‌کنم. او از نظر اخلاقی بچه درستی بود و بزرگترش احترام می‌گذاشت؛ یعنی از آن گلرهای تمک‌شناشتا نبود. این را خودم دیدم و دوست داشتم رشد کند تا اینکه به پرسپولیس آمد.

در این ۱۲، ۱۰ سال گلرهای برجسته‌ای به پرسپولیس آمدند که شرایط خوبی داشتند یا در این تیم افت کردند. این به‌خاطر شرایط متزلزل بود یا خود آن گلرها اشتباه می‌کردند؟

نه، ببینید اول یک بحثی را باز کردم که گفتیم اگر جارت منظمی در تیم نباشد این روی کار بازیکنان و تیم تأثیر منفی می‌گذارد. در این جریان‌ها خیلی‌ها هم آمدند در مقاطع مختلف که درخششی مقطعی داشتند اما پایدار و منظم نبود. سرمشائین هم به مدیریت برمی‌گردد و عدم انتخاب درست و عدم برنامه‌ریزی دقیق. یعنی در برخی زمان‌ها برای انتخاب برخی گلرها، مربیان و… بین آنها با هوادار تمیز نبود و بعد از آن سال قهرمانی، تیم شیرازه نداشت. یکی بود که برای پرسپولیس گلر انتخاب می‌کردند اما در میان آنها گلرهای تاب و تراز اول نبود و در عملکردشان تردید داشتند. یعنی می‌گفتند بگیریم، بازی می‌کنند، حالا ممکن است جواب بدهد یا نه. تا اینکه علیرضا بیرانوند آمد و چهار پنج سال بازی کرد و الان هم که حامدبازی می‌کند. شما با گلرهای زیادی به‌عنوان مربی، هم‌تیمی و هم‌پستی کار کرده‌اید و با چند نسل ارتباط داشتید.

من یک زمانی کتاب احمدرضا عابدزاده برای مقدماتی جام جهانی ۹۸ توسط آقای مالیلی کهن برای تیم ملی انتخاب شده تا اینکه احمدرضا به‌عنوان پیشکسوت بازی‌نشسته شد و آمد کنار ما به‌عنوان مربی گلرها. من خیلی از دوستان را دیدم و تجربیات زیادی کسب کردم. گلری مثل بازی در پست‌های دیگر نیست و یک تخصص است. شما باید سبک‌ها و شوه‌ها را خوب بشناسی. من از این مسأله خیلی استفاده کردم و خدا را شکر این شناخت از شیوه‌ها به من خیلی کمک کرد.

پس چرا اینقدر تعداد بازی‌های ملی‌تان کم است؟

دوتا بازی ملی دارم. یک زمانی نزدیک ۵، ۶ سال که آقای بلاژیویچ آمدند با سبک خاص نفراتی مثل من. داود ففاری و پرویز برهمند را ۵، ۴ نفر بودیم از لیست تیم ملی خارج کردند و بعد از آن موردی که بیش آمد مین بود که نفراتی مثل ابراهیم میرزاپور را انتخاب کردند به علاوه دو س‌تا دیگر. سبک و سیاق‌شان رضایی بود. آن زمان آقای رضاییان مدیرعامل باشگاه فولاد بودند و یک زمانی ۸، ۷ تا بازیکن از فولاد در تیم ملی حضور داشتند و انگار باشگاه فولاد تیم خیم ملی را می‌داد. زمانی که من در اوج بودم دیدگریم به بازی ملی نرسید و چند سال زمان آقای برانکو رزرو بودم و دیگر هم دعوت نشده که البته مشخصاً دلیلش نبود.

فکر نکنم قبلاً جایی این بحث‌ها را باز کرده باشید.

نه، نشده. واقعیت اینک تیم فولاد پتانسیل دادن ۷، ۸ یا ۱۰ بازیکن به تیم ملی را نداشت و مشخص نبود پشت پرده چه اتفاقی می‌افتد و چرا این نفرات دعوت می‌شدند. البته آن بازیکنان برای من قابل احترام هستند اما بحث قابلیت نبود، نه برای من، نه برای خیلی‌های دیگر.

الان به‌عنوان مربی این تیم چه می‌فکرید؟

یک، یک مجموعه داریم در استان البرز که آنجا کمک می‌کنم؛ یعنی برنامه و تز می‌دهم. یک آکادمی داریم که الان ۱۸ سال سابقه فعالیت می‌کند به نام ه‌ما. سما. از سال ۸۳-۸۴ با باشگاه کشاورز قدیم وجود داشت با عنوان آب و خورد و روزبه روز بهتر کار می‌کند، مثلاً زمان‌هایی می‌دیدید که مثل علی زینالی، مهرداد پولادی، مجید خاندیندلو و علی سلمانی. مابین مجموعه را دیدیم به مربیان خودمان و برنامه‌ریزی‌هایش با ما مستعد و بی‌حسد درآمدی هم مطرح نیست. ما هم در بحث پرورش گلر هم در تیم ملی موفق بودیم. ۸ تا تیم در استان البرز داریم و یک تیم در آسویان تهران و مشغول هستیم.

شرایط فنی حامد لک در پرسپولیس را چطور می‌بینید؟

حامد با توجه به پتانسیل و تجربه خیلی بالایی که دارد بازی به دوست دارد همه چیز را یاد بگیرد. یکسری مسائل حاشیه‌ای طی دو، سه سال داشته که همه اینها را از خودش دور کرده و قدر چیزهایی که دارد و یاد گرفته را خوب می‌داند. در بحث فنی وقتی کارش را دنبال کنید می‌بینید یکسری چیزها را را توانسته به دست بیابارد و روزبه روز بهتر کار می‌کند، مثلاً زمان‌هایی می‌دیدید که کار با یا مشکل داشت اما الان می‌بینید شرایطش خیلی بهتر از قبل شده یعنی دارد تمرین می‌کند که بهتر شده. یک مقدار در بحث تکنیک گلری در روزهای اول استرس داشت و تمرکز نداشت؛ یعنی گنگ بود اما آقای خیلی خوب شده. من به مسابقات آسیایی دیدم و احساس کردم حامد بزرگ شده. از نظر فنی به نظرم روزهای خوبی را تداعی کرده و چیزی حدود ۲۰، ۳۵ بازی در پرسپولیس انجام داده که در این تعداد بازی از تزلزل بی‌بهره‌ایم.

شاید در یکی، دو بازی اشتباه داشته،

مثل باخت در اراک.

آنجا هم اشتباه فحاشی نبود؛ یعنی من مربی می‌بینم گلرم از نظر ظاهنی و خروج خوب است و مثل بعضی گلرها نیست که دوتا بازی خوب باشد و بعد به‌طور ناگهانی تیم را زمین بزنند. اینکه تاوأم داشته باشی مهم است. من علاقه‌مندم حامد موفق شود و فیکس تیم ملی باشد. چون پتانسیلش را دارد. او مثل برخی گلرهای نیست که خودش را کم کند و هر چه بالاتر می‌رود افتاده‌تر می‌مود و امیدوارم روزگار خوبی داشته باشد.

اگر بخواهید سنا گلر برتر تاریخ پرسپولیس را معرفی کنید به کدام نفرات اشاره

می‌کنید؟

واقعیت قضیه اینکه با توجه به جمع‌بندی تمام این سال‌ها و نفراتی که من در فوتبال می‌شناختم کسی در حد احمد رضا نبود. شاید خیلی‌ها پادشان نباشد اما من عملکرد احمدرضا را اول می‌دانم. اجازه بدهید بفرمود و سوم رانگویم اما در حال حاضر به نظرم با توجه به شرایط فنی تیم الان حامد را در آن سطح می‌بینم که مثلاً دومین یا سومین برایش اتفاق بیفتد. البته همزمان با آقای عابدزاده مثلاً نمی‌گسیا بود که گلر خیلی خوبی بود و در تیم ملی بازی کرد و داود ففانی خیلی خوب بود. اما در این ۱۵، ۱۰ سال همه گلر‌ها در یک سطح قدم برداشتنند و کلاس احمدرضا فقط بود و نمی‌شود او را با بقیه قیاس کرد. او عقاب آسیاست و هنوز هم کسی در جایگاه واینگا داشت.

اما در مقام مربی گلرها باشدت سختگیر بود.

احمدرضا چون خودش تمرین سنگین می‌کرد به گلرها هم سخت می‌گرفت که البته تز خوب و درستی بود؛ زیرا باعث می‌شد طول عمر فوتبالی گلرها زیاد شود، چون در تمرین در دسته می‌شدند. البته سختگیری احمدرضا برای جوان‌ها بود و وقتی من در تمرین می‌دیدم قباله را پایین می‌آورد. به من می‌گفت تو ۷، ۸ سال از اینها بزرگتری و باید کارهای سرتی انجام بدهی و کمتر فشار بیاوری در حالی که جوان‌های من سخت بود اما برای حاج حبیب فرقی نمی‌کرد چه کسی فیکس است یا برد و نیچه گرفتند. است که می‌توانند جواب این بی‌معرفتی‌ها را بدهند.

تیم تاجیکستانی حریف پرسپولیس شد بدی نیست با شکست الهلال و بقیه تیم‌های همگروش نشان داد پدیده حاشیه‌ها بوده. اما تیم تاجیکستانی خوب می‌داند قصه پرسپولیس با بقیه تیم‌ها فرق می‌کند. پرسپولیس در چند سال اخیر علاوه بر ایران قدرت خودش را در آسیا هم به‌خوبی ثابت کرده و بعد از دو دوره دبیارگی که نایب‌قهرمان شده، امسال هم می‌تواند قهرمان آسیا شود و در ایران هم به شکل بگیرد.

هم نتیجه گرفته، اما گروهی می‌خواهند به انحاء مختلف برای تیم و باشگاه قهرمان حاشیه درست کنند، اما حرفی پرسپولیس نمی‌شوند و پرسپولیس ان‌شاءالله با برد و قهرمانی باز هم نشان خواهد داد راه

مقایله با هر مشکلی را خوب بلد است.

در لیگ قهرمانان و جام حذفی چه شرایطی را برای پرسپولیس پیش‌بینی می‌کنید و به نظر تان در آن جام‌ها به پرسپولیس می‌تواند قهرمانی را تجربه کند؟ تیم تاجیکستانی حریف پرسپولیس شد بدی نیست با شکست الهلال و بقیه تیم‌های همگروش نشان داد پدیده حاشیه‌ها بوده. اما تیم تاجیکستانی خوب می‌داند قصه پرسپولیس با بقیه تیم‌ها فرق می‌کند. پرسپولیس در چند سال اخیر علاوه بر ایران قدرت خودش را در آسیا هم به‌خوبی ثابت کرده و بعد از دو دوره دبیارگی که نایب‌قهرمان شده، امسال هم می‌تواند قهرمان آسیا شود و در ایران هم به شکل بگیرد. هم‌تیمی‌ها و یک‌تیم‌های او را ادامه دهد.



ندارد و حکم‌ها برنمی‌گردد؟

بله. متأسفانه این مسأله ضدید با بازیکنان پرسپولیس تقریباً در خیلی از جاها خصوصاً ارکان تصمیم‌گیرنده نهادینه شده است که تصمیم‌گیری‌ها و کارها بر خلاف پرسپولیس و این باشگاه صادر شود و در سیستم‌های شان هم این موضوع جا افتاده است؛ مثلاً شما ببینید چند سال است برای بازیکنان پرسپولیس در اصفهان مشکل تراشی می‌کنند؛ از مزاحمت جلوی هتل و اجازه ندادن برای استراحت بازیکنان بگیرند تا ترافیک درست کردن قبل از بازی برای اتوبوس‌ها و مشکلات بازیکنان تیم و جناح‌های بعد از بازی و مشکلات دیگر که هر سال علیه پرسپولیس ادامه دارد، اما به‌جای پرداختن و کمک دادن علیه میزبان که مسولیتش بازی را بر عهده دارد، علیه پرسپولیس و بازیکنانش حکم می‌دهند و در حساس‌ترین مقطع فصل که نتیجه تلاش بازیکنان و کادر فنی باید ثمر دهد برای پرسپولیس هزاران مشکل به‌وجود می‌آورد.

بیش بپرند و این مصداق این است که از قدرت‌شان سوءاستفاده را ببرند. اینها کارهای اخلاقی نیست

که بدون فراخواندن بازیکن برای او حکم می‌دهند. خودشان برای خودشان تعبیر می‌کنند و حکم می‌دهند. در محیط ورزشی حکم‌ها و تصمیم‌گیری‌ها باید جوانمردانه و ورزشی باشد، اما دوستان بدون اینکه کاپیتان پرسپولیس را بخوانند و احضارش کنند یکطرفه حکم می‌دهند.

به‌نظر از احکام جدید خیلی ناراحت شدید؟

بله، من هم مانند ۵۰ میلیون هوادار دیگر پرسپولیس واقعاً از صدور احکام جدید ناراحتم و متأسف و پشند متأثر شدم. عمق فاجعه هم جایی است که طوری حکم می‌دهند و احکام‌شان را صادر می‌کنند که هیچ‌یک فرد معمولی هم متوجه می‌شود. حکم‌ها اصلاً عادلانه نیست و عدالت اصلاً در آنها رعایت نشده‌است.

به‌نظر شرایطی شده که اعتراض هم فایده



گفت و گو
ناصر قراگزلو

محمد پنجعلی پیشکسوت و کاپیتان اسبق پرسپولیس شدت احکام اخیر صادرشده از سوی کمیته انضباطی علیه پرسپولیس را محکوم کرده و آن را بی‌عدالتی می‌داند. کاپیتان پنجعلی همچنین شدت از احضار شکوری به کمیته اخلاق هم شکایت می‌کند و به این نکته می‌پردازد که مسئول یک باشگاه باید از حق تشییع‌شده تیمش دفاع کند و احضار به‌دلیل مبارزه و دفاع از یک یک تیم از سوی یک مسئول رانمادی بی‌عدالتی می‌داند.

ظاهراً ابراهیم شکوری هم به‌دلیل دفاع از باشگاه به کمیته اخلاق رفته و توضیح داده.

دارند کاری می‌کنند صدای کسی درنناید و دقیقاً قصد دارند با سبک و سیاق خودشان کارهای‌شان را